



Paper Type: Original Article



Government Revenue, Corporate Bonus Mechanism and Transfer Pricing Decisions: The Moderating Role of Tax Minimization

Abolfazl Soleimani^{1,*} , Mahdiah Shokrian Berenjestanaki²

¹ Department of Auditing, Faculty of management, University of Tehran, Tehran, Iran; a.soleimani.research@gmail.com.

² Department of Accounting, Farvardin Qaemshahr Institute of Higher Education, Qaem Shahr, Iran; mahdiah.shokrian.berenjestanaki@gmail.com.

Citation:



Soleimani, A., & Shokrian Berenjestanaki, M. (2025). Government revenue, corporate bonus mechanism and transfer pricing decisions: The moderating role of tax minimization. *Financial and banking strategic studies*, 3(2), 109-118.

Received: 16/09/2024

Reviewed: 01/12/2024

Revised: 17/02/2025

Accepted: 27/03/2025

Abstract

Purpose: This study aims to examine the effects of government revenue and corporate bonus mechanism on transfer pricing decisions. Additionally, the moderating role of tax minimization in these relationships is assessed.

Methodology: The study population consists of 116 companies listed on the Tehran Stock Exchange during 2017–2022. Data were collected from financial statements and official reports, and hypotheses were tested using panel data analysis and multivariate regression models.

Findings: The results indicate that government revenue and corporate bonus mechanism have a significant impact on transfer pricing. Furthermore, tax minimization positively moderates the effect of government revenue on transfer pricing but does not moderate the relationship between the corporate bonus mechanism and transfer pricing.

Originality/Value: By integrating government revenue, corporate bonus mechanism, and tax minimization, this study provides new insights into the factors influencing transfer pricing in Iranian companies. The use of more objective measures for related-party transactions enhances the accuracy of transfer pricing assessment compared to previous studies, offering practical implications for tax authorities and policymakers.

Keywords: Tax minimization, Government revenue, Bonus mechanism, Transfer pricing.



Corresponding Author: a.soleimani.research@gmail.com



10.22105/fbs.2025.540343.1166



Licensee: **Financial and Banking Strategic Studies**. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>).

درآمد دولت، سازوکار پاداش شرکت و تصمیمات قیمت گذاری انتقالی: نقش تعدیل گری حداقل سازی مالیات

ابوالفضل سلیمانی^{۱*}، مهدیه شکرین برنجستانی^۲

^۱گروه حسابرسی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۲گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی فروردین قائم شهر، قائم شهر، ایران.

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف بررسی تاثیر درآمد دولت و سازوکار پاداش شرکت ها بر تصمیمات قیمت گذاری انتقالی انجام شده است. همچنین نقش حداقل سازی مالیات به عنوان یک متغیر تعدیل گر در این روابط مورد ارزیابی قرار گرفته است.

روش شناسی پژوهش: جامعه آماری شامل ۱۱۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ است. داده ها از صورت های مالی و گزارش های رسمی گردآوری و با استفاده از تحلیل داده های تابلویی و مدل های رگرسیونی چند متغیره آزمون شدند.

یافته ها: نتایج نشان داد که درآمد دولت و سازوکار پاداش شرکت ها تاثیر معناداری بر قیمت گذاری انتقالی دارند. علاوه بر این، حداقل سازی مالیات اثر درآمد دولت بر قیمت گذاری انتقالی را به طور مثبت تعدیل می کند، اما در رابطه میان سازوکار پاداش و قیمت گذاری انتقالی نقش تعدیل کننده ندارد.

اصالت/ارزش افزوده علمی: این پژوهش با ترکیب متغیرهای درآمد دولت، سازوکار پاداش و حداقل سازی مالیات، دیدگاه تازه ای در مورد عوامل موثر بر قیمت گذاری انتقالی در شرکت های ایرانی ارائه می دهد. استفاده از شاخص های عینی تر برای سنجش معاملات اشخاص وابسته، نسبت به مطالعات پیشین دقت بیشتری در بررسی قیمت گذاری انتقالی فراهم کرده و می تواند راهنمای سیاست گذاران مالیاتی و قانون گذاران باشد.

کلیدواژه ها: حداقل سازی مالیات، درآمد دولت، سازوکار پاداش، قیمت گذاری انتقالی.

۱- مقدمه

در دنیای پیچیده و جهانی شده کسب و کار، مدیریت مالیاتی به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی شرکت ها برای بهینه سازی سود و افزایش کارایی مطرح است. شرکت ها با استفاده از برنامه ریزی مالیاتی، سعی می کنند تا بار مالیاتی خود را تا حد امکان کاهش دهند و از این طریق منابع مالی بیشتری برای توسعه و رقابت پذیری کسب کنند [1]. یکی از روش های برنامه ریزی و ترفندهای مالیاتی رایج قیمت گذاری انتقالی است [2]. شرکت ها از قیمت گذاری انتقالی برای به حداکثر رساندن سود و به حداقل رساندن مالیات استفاده می کنند، زیرا مالیات باری در نظر گرفته می شود که کاهش سود را به همراه دارد. ساندی [1] قیمت گذاری انتقالی را از دو جنبه مختلف تعریف کرده است، اول اینکه قیمت گذاری انتقالی یک راهبرد و تاکتیک صرفا تجاری بدون کاهش بار مالیاتی است. دوم اینکه قیمت گذاری انتقالی با استفاده از تاکتیک هایی همچون انتقال مالیات به مناطق جغرافیایی دارای نرخ مالیات پایین موجب صرفه جویی در مالیات می شود. شرکت ها قیمت های معاملاتی بین بخش های مختلف خود یا شرکت های وابسته را

به گونه ای تعیین می کنند که بار مالیاتی کاهش یابد و سود کلی شرکت افزایش پیدا کند [3] که از این طریق شرکت سود خود را از حوزه دارای مالیات بالا به حوزه کم مالیاتی انتقال می دهد [4].

قیمت گذاری انتقالی از منظر نظری و کاربردی، تحت تاثیر چندین نظریه و چارچوب تبیینی قرار دارد. نظریه نمایندگی بیان می کند که در شرکت های چند ملیتی، مدیران برای افزایش منافع شخصی خود، ممکن است از قیمت گذاری انتقالی به عنوان ابزاری برای دستکاری سود استفاده کنند [5]. همچنین نظریه هزینه های مبادله نشان می دهد که شرکت ها با تنظیم قیمت های داخلی، سعی در کاهش هزینه های معاملاتی و مالیاتی دارند [6]. نظریه حداقل سازی مالیات^۱ نیز که بر مبنای نظریه رفتار اقتصادی استوار است، تاکید می کند که شرکت ها به منظور حفظ سودآوری و منافع سهام داران، به طور فعال سیاست های مالیاتی خود را بهینه می کنند [7]؛ بنابراین، ترکیب این نظریه ها نشان می دهد که قیمت گذاری انتقالی نه تنها یک تصمیم مالی بلکه یک راهبرد مدیریتی پیچیده و چند وجهی است.

مطالعات متعددی به بررسی تاثیر سازوکارهای مختلف بر قیمت گذاری انتقالی پرداختند. به عنوان مثال، ارنست و یانگ [8] در نظرسنجی جهانی خود دریافتند که قیمت گذاری انتقالی به عنوان یکی از مهم ترین مسایل مالیاتی شرکت ها در سراسر جهان شناخته می شود. از منظر بین المللی، قیمت گذاری انتقالی ابزاری برای بسیج کردن سودهای عملیاتی با اهداف تجاری است. با این حال، مقامات مالیاتی می خواهند که معاملات بین بخش ها یا بین شرکت های یک گروه همیشه قیمت های منصفانه بازار را منعکس کنند [9]. سوسانتی و فرمانسیا [10] نشان دادند که نرخ های بالای مالیات باعث می شود که شرکت ها سود خود را به مناطق با نرخ مالیاتی پایین تر منتقل کنند. درآمد دولت و سازوکار پاداش شرکت ها، از جمله عواملی هستند که بر تصمیمات اشخاص حقوقی برای پرداختن به قیمت گذاری انتقالی تاثیر می گذارند. درآمد دولت حاصل ضرب نرخ مالیات فعلی در سود شرکت ها است. درآمد دولت نشان دهنده سهم شرکت ها در قالب مالیات های پرداخت شده به دولت است که همواره از برآوردها کمتر می باشد [11]، [12]. کاهش درآمد مالیاتی، اقتصاد را دچار بیماری ها و بحران های فراوانی می کند [13]. از سوی دیگر یونپاسی و همکاران [14] دریافتند که افزایش بار مالیاتی قابل توجه باعث می شود تا شرکت ها به قیمت گذاری انتقالی رو آورند. اگر یک کشور نرخ مالیات بالایی را تعیین کرده باشد، احتمال قیمت گذاری انتقالی توسط شرکت ها افزایش می یابد. شرکت هایی که در مناطق با نرخ مالیات بالا به سود زیادی دست می یابند، سود خود را به مناطقی که نرخ مالیات پایین دارند منتقل می کنند. این فعالیت منابع را از دولت به سوی سهام داران انتقال می دهد [15]. طرح پاداش اجرا شده توسط شرکت ها بر رفتار مدیریت تاثیر گذاشته و آن ها را تشویق به دستکاری سود می کند تا وضعیت شرکت ها خوب به نظر رسیده و پاداش آن ها افزایش یابد. یکی از راه های افزایش سود، به حداقل رساندن بار مالیاتی از طریق قیمت گذاری انتقالی است. تحقیقات قبلی به نتایج متناقضی در مورد تاثیر سازوکار پاداش و درآمد دولت بر قیمت گذاری انتقالی دست یافته اند. برخی از مطالعات تاثیر مثبت سازوکار پاداش بر قیمت گذاری انتقالی را گزارش کرده اند [16]، در حالی که برخی دیگر تاثیر منفی [17]، یا عدم تاثیر آن را نشان داده اند [18-20]. پژوهش ها تاثیر قابل توجه درآمد دولت بر تصمیم شرکت ها برای پرداختن به قیمت گذاری انتقالی را نشان می دهد [19]، [21]، [22].

حداقل سازی مالیات، راهبردی برای به حداقل رساندن بار مالیاتی شرکت ها است. کیسوانتو و پوروانینگسی [23] استدلال می کنند که بار مالیاتی قابل توجه، شرکت ها را وادار می کند تا برای کاهش بار مالیاتی خود به قیمت گذاری انتقالی بپردازند. این محققان حداقل سازی مالیات را به عنوان یک متغیر تعدیل گر انتخاب کردند؛ زیرا سازوکار پاداش به مدیریت و مدیران، بر راهبرد آنان در این خصوص تاثیر می گذارد. مدیران سعی می کنند تا با افزایش سود شرکت، پاداش خود را افزایش دهند که یکی از راه های تحقق آن قیمت گذاری انتقالی است. این انتقال از یک مرکز سرمایه گذاری یا سود به مرکز دیگر در یک شرکت صورت می گیرد [24]. بار مالیاتی باعث کاهش سود پس از کسر مالیات می شود. نرخ های مالیاتی بالا و سازوکار پاداش که با حداقل سازی مالیات همراه می شوند، مدیران را به قیمت گذاری انتقالی تشویق می کنند [25]. هدف اصلی این پژوهش، بررسی تاثیر درآمد دولت و سازوکار پاداش بر قیمت گذاری انتقالی در شرکت ها و همچنین نقش تعدیل گر حداقل سازی مالیات بر روابط مذکور بررسی می شود. چهار فرضیه اساسی مطرح شده است: ۱- درآمد دولت تاثیر قابل توجهی بر قیمت گذاری انتقالی دارد، ۲- سازوکار پاداش بر قیمت گذاری انتقالی اثرگذار است، ۳- حداقل سازی مالیات رابطه بین درآمد دولت و قیمت گذاری انتقالی را تعدیل می کند و ۴- حداقل سازی مالیات رابطه بین سازوکار پاداش و قیمت گذاری انتقالی را تعدیل می کند. برای آزمون این فرضیات، از داده های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران طی سال های ۱۳۹۵ تا

¹ Tax minimization

۱۴۰۰ استفاده شده است. داده‌ها از طریق صورت‌های مالی منتشر شده و گزارش‌های رسمی جمع‌آوری شده و تحلیل‌ها با استفاده از مدل‌های رگرسیونی چند متغیره و تکنیک‌های تعدیل‌گر انجام گرفته است. یافته‌های اولیه نشان می‌دهد که افزایش قیمت‌گذاری انتقالی به‌طور معناداری با افزایش درآمد دولت مرتبط است. همچنین، سازوکار پاداش مدیران تأثیر مثبت و معنی‌داری بر قیمت‌گذاری انتقالی داشته است که همسو با نظریه نمایندگی می‌باشد. جالب توجه است که حداقل‌سازی مالیات به‌عنوان یک متغیر تعدیل‌گر، تأثیر درآمد دولت بر قیمت‌گذاری انتقالی را تشدید کرده و در عین حال اثری بر رابطه بین سازوکار پاداش و قیمت‌گذاری انتقالی نداشته است که بیانگر پیچیدگی تعاملات میان این عوامل است [25].

پژوهش‌های داخلی متعددی در مورد برنامه‌ریزی‌های مالیاتی صورت گرفته است [26-28]، اما در این میان تمرکز کمی بر مبحث قیمت‌گذاری انتقالی داشته‌اند؛ لذا این مطالعه متغیرهای مطالعات قبلی درباره تأثیر سازوکار پاداش و درآمد دولت بر تصمیمات قیمت‌گذاری انتقالی را ترکیب می‌کند. متغیر حداقل‌سازی مالیات که به‌عنوان یک متغیر تعدیل‌گر در رابطه میان درآمد دولت و سازوکار پاداش عمل می‌کند، در مطالعات قبلی به‌طور گسترده مورد مطالعه قرار نگرفته است. از سوی دیگر، شیوه‌های اندازه‌گیری قیمت‌گذاری انتقالی در مطالعات مختلف متفاوت است و بسیاری از پژوهش‌ها از روش‌های کلی و انتزاعی بهره گرفته‌اند، در حالی که این مطالعه از معاملات دارایی‌ها و بدهی‌ها با اشخاص وابسته^۱ به روشی دقیق‌تر و عینی‌تر برای سنجش قیمت‌گذاری دست یافت. این رویکرد با مطالعات قبلی که از اندازه‌گیری‌های دوگانه استفاده کرده‌اند، همچون پژوهش نویاستیکا و همکاران [22] که در آن قیمت‌گذاری انتقالی بر مبنای فروش یا عدم فروش به اشخاص وابسته اندازه‌گیری می‌شود تفاوت دارد. در ادامه، ابتدا مبانی نظری، پیشینه تجربی و فرضیه‌ها تشریح شده، سپس روش‌شناسی، یافته‌های پژوهش و در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه می‌گردد.

۲- مبانی نظری، پیشینه تجربی و بسط فرضیه‌ها

مدیران در ازای دستیابی به سطح معینی از موفقیت در مدیریت شرکت تشویق شده و پاداش دریافت خواهند کرد [29]. طبق نظریه نمایندگی، مدیریت روش‌های حسابداری خاصی را برای افزایش سود گزارش شده در صورت‌های مالی انتخاب می‌کند که می‌تواند کیفیت صورت‌های مالی را مخدوش کند [30]. مشکلات نمایندگی به دلیل اقدامات فرصت‌طلبانه مدیران به‌عنوان کارگزار برای در اولویت قرار دادن منافع خود در مقابل منافع کارفرمایان به وجود می‌آیند [9]. علاوه بر این، نظریه نمایندگی بیان می‌کند که بین مدیران (کارگزاران) و سهام‌داران (کارفرمایان) عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد، زیرا مدیران نسبت به سهام‌دارانی که به اطلاعات دسترسی ندارند، از اطلاعات داخلی و چشم‌انداز آتی شرکت آگاهی بیشتری دارند [31]. مدیریت مالیات از طریق قیمت‌گذاری انتقالی به دلیل تفاوت منافع مدیران و سهام‌داران انجام می‌شود. سیستم قیمت‌گذاری انتقالی مبتنی بر مداخله مستقیم مدیریت است [32]. مدیران به‌عنوان کارگزاران به دنبال افزایش پاداش خود هستند، در حالی که سهام‌داران خواهان کاهش هزینه‌های مالیاتی می‌باشند [5]. نظریه حسابداری اثباتی واتس و زیمرن [33] توضیح می‌دهد که سیاست‌گذاری حسابداری می‌تواند برای شرکت‌ها و اشخاص مرتبط با صورت‌های مالی مشکل ایجاد کند. همچنین با استفاده از این نظریه می‌توان پیش‌بینی کرد که شرکت‌ها در شرایط خاص کدام سیاست‌های حسابداری را انتخاب می‌کنند. کلاسن و همکاران [34] شواهدی یافتند مبنی بر اینکه شرکت‌های چندملیتی در واکنش به تغییر نرخ مالیات در کانادا، اروپا و ایالات متحده به انتقال درآمد می‌پردازند [16]. در این راستا عرب مازار و همکاران [2] نیز یکی از راه‌های فرار مالیاتی شرکت‌های اصلی در قالب شرکت‌های چند ملیتی را استفاده از قیمت‌گذاری انتقالی می‌دانند. یونیاسی و همکاران [14] نشان دادند که بار مالیاتی قابل‌توجه باعث می‌شود تا شرکت‌ها به قیمت‌گذاری انتقالی روی آورند. بار مالیاتی سهم شرکت در درآمد دولت را نشان می‌دهد. در این خصوص سیاست‌های اقتصادی دولت، ارتباط نزدیکی با بار مالیاتی دارد [35].

شرکت‌ها برای کاهش بار مالیاتی کلی خود، از طریق انجام معاملات با شرکت‌های وابسته مستقر در مناطق دیگر جغرافیایی به مدیریت مالیات خود می‌پردازند. اگر یک کشور نرخ مالیات بالایی را تعیین کرده باشد، احتمال اجرای روش‌های قیمت‌گذاری انتقالی توسط شرکت‌ها افزایش می‌یابد. شرکت‌های دارای سود بالا که در کشورهای با نرخ مالیاتی بالا فعال هستند، سود خود را به کشورهای با نرخ مالیاتی پایین منتقل می‌کنند [36]. در داخل ایران نیز معافیت‌های مالیات برای شرکت‌های فعال در مناطق آزاد و غیر آزاد اقتصادی متفاوت است، همچنین نرخ مالیات برای شرکت‌های بورسی ۲۲/۵٪ و برای شرکت‌های بورسی دارای سهام آزاد شناور بیش از ۲۰٪، ۲۰٪ محاسبه می‌شود. به‌طور کل بررسی‌ها نشان می‌دهد، قانون مالیات‌های مستقیم ایران در مقابل قیمت‌گذاری انتقالی سکوت کرده است. مواد قانونی مختلفی در قانون مالیات‌های مستقیم (همانند مواد ۱۳۲،

¹ Related Party Transaction of Assets and Liabilities (RPTAL)

۱۳۳، ۱۴۱ و ...) و سایر قوانین کشور وجود دارد که با استفاده از این موضوع درآمدهای مالیاتی تحت تاثیر قرار می‌گیرد که می‌توانند انگیزه‌ای برای فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی شوند. بر اساس شواهد نظری و تجربی ذکر شده و وابسته بودن قیمت‌گذاری انتقالی به قوانین دولتی و وضعیت اقتصادی کشور و شرکت‌ها، انتظار می‌رود درآمد دولت بر قیمت‌گذاری انتقالی تاثیر معنی‌داری داشته باشد. از این‌رو فرضیه ۱ پژوهش، جهت‌دار و به شرح زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه ۱- درآمد دولت تاثیر مثبت و معنی‌داری بر قیمت‌گذاری انتقالی دارد.

فرضیه طرح پاداش در نظریه حسابداری اثباتی، رابطه بین پاداش و سود را توضیح می‌دهد. مدیران شرکت‌های دارای سازوکار پاداش، معمولاً رویه‌های حسابداری را انتخاب می‌کنند که سود گزارش شده را از دوره‌های آتی به دوره جاری انتقال می‌دهند. آن‌ها حتی با اشتراک‌گذاری هزینه، با احتمال زیادی به مشارکت در انتقال سود دخیل هستند [37]. لو و همکاران [16] در مطالعه خود بیان کردند که اگر پاداش بر اساس سود تعیین شود، تمایل مدیریت به استفاده از معاملات قیمت‌گذاری انتقالی برای به حداکثر رساندن پاداش دریافتی خود افزایش می‌یابد. پرامانا [38] نیز استدلال می‌کند که مدیران ترجیح می‌دهند، سیاست‌هایی را برای تنظیم درآمد خالص به‌منظور به حداکثر رساندن پاداش دریافتی خود اتخاذ کنند که یکی از آن‌ها قیمت‌گذاری انتقالی است. هر چه سود شرکت بیشتر باشد، صاحبان شرکت تصور بهتری از مدیران خواهد داشت. مطالعات متعددی تاثیر مثبت سازوکار پاداش بر تصمیمات قیمت‌گذاری انتقالی را نشان داده‌اند [19]، [38]. به این ترتیب، بر اساس شواهد نظری و تجربی ذکر شده انتظار می‌رود، سازوکار پاداش بر قیمت‌گذاری انتقالی تاثیر بگذارد. از این‌رو فرضیه ۲ پژوهش، جهت‌دار و به شرح زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه ۲- سازوکار پاداش تاثیر مثبت و معنی‌داری بر قیمت‌گذاری انتقالی دارد.

حداقل‌سازی مالیات راهبردی قانونی است که شرکت‌ها برای به حداقل رساندن بار مالیاتی خود اتخاذ می‌کنند [39]. بار مالیاتی قابل‌توجه، شرکت‌ها را به انجام قیمت‌گذاری انتقالی برای کاهش مالیات خود تشویق می‌کند [31]، [23]. مانگوتینگ [40] نیز نشان داد که شرکت‌ها اغلب از قیمت‌گذاری انتقالی به‌عنوان ابزاری برای به حداقل رساندن مالیات خود استفاده می‌کنند. به عقیده تانگ [41]، درآمد مالیاتی دولت می‌تواند انگیزه‌ای برای حداقل‌سازی مالیات باشد. شرکت‌ها می‌توانند با هدایت سود خود از مناطق جغرافیایی با نرخ مالیات بالا به مناطق جغرافیایی با نرخ مالیات پایین، در میزان مالیات پرداختی خود صرفه‌جویی کنند؛ لذا فرضیه ۳ پژوهش به این صورت تدوین می‌گردد:

فرضیه ۳- حداقل‌سازی مالیات تاثیر درآمد دولت بر قیمت‌گذاری انتقالی را به‌طور معنی‌دار تعدیل می‌کند.

سازوکار پاداش بر راهبرد شرکت تاثیر می‌گذارد. مدیران به دنبال آن هستند تا با افزایش سود شرکت، پاداش دریافت کنند که یکی از روش‌های دستیابی به این هدف قیمت‌گذاری انتقالی است. هر چه سود شرکت بیشتر باشد، تصور صاحبان از مدیران شرکت بهتر خواهد بود. طبق فرضیه طرح پاداش، مدیران شرکت معمولاً روش‌هایی را ترجیح می‌دهند که افزایش سود دوره جاری را به همراه دارند [42]، [43]. حداقل‌سازی مالیات، سود شرکت‌ها را از طریق کاهش بار مالیاتی آن افزایش می‌دهد. سازوکار پاداش نیز به حداقل‌سازی مالیات وابسته است که بیش از پیش مدیران را تشویق می‌کند تا به قیمت‌گذاری انتقالی بپردازند [20]. حداقل‌سازی مالیات، اقدامات مدیریت برای به حداکثر رساندن سود را تقویت می‌کند. مدیران برای بهینه‌سازی پاداش خود افزایش سود را هدف قرار می‌دهند و تلاش‌های شرکت برای به حداقل رساندن مالیات با هدف به حداکثر رساندن سود پس از مالیات انجام می‌گیرد. هر دو تصمیم را می‌توان با استفاده از قیمت‌گذاری انتقالی محقق کرد. بنابراین، حداقل‌سازی مالیات، اثر سازوکار پاداش بر قیمت‌گذاری انتقالی را تقویت می‌کند [34]. از این‌رو انتظار می‌رود حداقل‌سازی مالیات، تاثیر سازوکار پاداش بر قیمت‌گذاری انتقالی را تعدیل کند. بنابراین، فرضیه ۴ پژوهش به صورت زیر تدوین شده است:

فرضیه ۴- حداقل‌سازی مالیات تاثیر سازوکار پاداش بر قیمت‌گذاری انتقالی را به‌طور معنی‌دار تعدیل می‌کند.

۳- روش‌شناسی

این پژوهش از نوع تحقیقات کمی با تحلیل توصیفی و استنباطی است که از رگرسیون خطی چندگانه و تحلیل رگرسیون تعدیلی مبتنی بر داده‌های تابلویی با کنترل اثرات ثابت سال و صنعت استفاده می‌کند. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار ایویوز^۱ نسخه ۱۲ استفاده شد. در این تحقیق از داده‌های ثانویه مندرج در گزارش‌های سالانه مجامع و گزارش‌های مالی شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق تهران طی سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۵ استفاده شده است. منبع داده‌ها سایت کدال، نرم‌افزار رهاورد نوین و سایت سازمان بورس بود. در این پژوهش کلیه شرکت‌هایی که دارای شرایط زیر بوده‌اند به‌عنوان نمونه انتخاب و بقیه حذف شده‌اند.

۱. پایان سال مالی آن‌ها منطبق با آخرین روز اسفند ماه باشد.
۲. جزو شرکت‌های مالی (مثل بانک‌ها، موسسات بیمه) و شرکت‌های سرمایه‌گذاری نباشند. (به دلیل اینکه مباحث گسترده قیمت‌گذاری انتقالی عموماً در خصوص شرکت‌های تولیدی کاربرد بیشتری دارد).
۳. در طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی یا تغییر فعالیت نداشته باشند.
۴. وقفه معاملاتی بیش از ۳ ماه نداشته باشند.
۵. اطلاعات مربوط به متغیرهای انتخاب شده در دسترس باشند.

با توجه به محدودیت‌های اعمال شده و سایر اطلاعات مورد نیاز تعداد ۱۱۶ شرکت انتخاب شد و نمونه پژوهش شامل ۶۹۶ سال-شرکت می‌باشد.

مدل آزمون فرضیه‌ها

در این پژوهش برای آزمون فرضیه‌های ۱ تا ۴ پژوهش، از مدل رگرسیونی زیر استفاده شده است:

$$TPit = \alpha_0 + \alpha_1 GEit + \alpha_2 BMit + \alpha_3 TMit + \alpha_4 GEit * TMit + \alpha_5 BMit * TMit + \alpha_6 FSizeit + \alpha_7 BBonusit + \alpha_8 Dualityit + \sum at Year + \sum at Ind + \epsilon it \quad (1)$$

که در آن

TP متغیر وابسته، GE و BM متغیر مستقل، TM متغیر تعدیل‌گر، $FSize$ ، $BBonus$ و $Duality$ متغیرهای کنترلی، $Year$ اثرات ثابت سال و Ind اثرات ثابت صنعت می‌باشند.

جدول ۱- خلاصه تعاریف عملیاتی و نحوه اندازه‌گیری.

Table 1- Summary of operational definitions and measurement methods.

نماد	متغیر	شاخص
TP	قیمت‌گذاری انتقالی: برابر مجموع معاملات دارایی‌ها و بدهی‌ها با اشخاص وابسته تقسیم بر حقوق صاحبان سهام [44].	$RPTAL = \frac{RPT Assets + RPT Liabilities}{Equities}$
GE	درآمد دولت: برابر حاصل ضرب نرخ مالیات در سود مشمول مالیات بر فروش شرکت.	$GE = \frac{State Revenue}{Tax rate \times Taxable profit sales}$
BM	سازوکار پاداش: برابر سود خالص سال t تقسیم بر سال $t-1$ [20].	$TRENDLB = \frac{Net income for year t}{Net income for year t - 1}$
TM	حداقل‌سازی مالیات: برابر با قرینه مجموع هزینه مالیات بر درآمد تقسیم بر سود قبل از مالیات [45].	$ETR = \frac{Total income tax expense}{Pre-Tax Earnings} \times -1$

جدول ۱- خلاصه تعاریف عملیاتی و نحوه اندازه گیری.

Table 1- Summary of operational definitions and measurement methods.

نماد	متغیر	شاخص
FSize	اندازه شرکت: در شرکت های بزرگتر، معمولاً حاکمیت شرکتی نظام مندتری پابرجاست که می تواند مدیران را از اقداماتی که به ارزش بلندمدت شرکت آسیب می زند بازدارد.	لگاریتم مجموع ارزش بازار دارایی های شرکت.
BBonus	پاداش هیات مدیره: کسب پاداش می تواند انگیزه مناسبی جهت انجام ترفندهای مالیاتی باشد.	لگاریتم طبیعی پاداش سالانه هیات مدیره.
Duality	دوگانگی وظیفه مدیرعامل: نفوذ بیشتر مدیر می تواند بر توانایی وی در کاهش بار مالیاتی از طریق قیمت گذاری انتقالی نقش داشته باشد.	اگر مدیرعامل، رییس و یا نایب رییس هیات مدیره نیز باشد، برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر.

۴- یافته ها

۴-۱- آماره های توصیفی

خلاصه آماره های توصیفی در جدول ۲ ارائه شده است. میانه و میانگین متغیرهای کمی پژوهش اختلاف کمی دارند، لذا متغیرها از توزیع نسبتاً نرمالی برخوردارند. میانگین قیمت گذاری انتقالی در نمونه مورد بررسی حدود ۱/۳۵۱ است و دامنه مقادیر بین ۰/۰۲۰ و ۲۸/۹۵۴ قرار دارد که نشان دهنده تنوع قابل توجه در نحوه اجرای این سیاست بین شرکت ها است.

جدول ۲- آماره های توصیفی.

Table 2- Descriptive statistics.

متغیر	میانگین	میانه	پیشینه	کمینه	انحراف استاندارد
قیمت گذاری انتقالی	1.351	0.156	28.954	0.020	3.357
درآمد دولت	0.023	0.014	0.137	0.000	0.028
سازوکار پاداش	1.166	1.053	14.793	-13.434	1.963
حداقل سازی مالیات	-0.114	-0.091	0.000	-0.235	0.087
اندازه شرکت	15.725	15.412	21.773	11.529	1.523
پاداش هیات مدیره	4.45	6.32	12.002	0.000	3.894
توزیع فراوانی					
	صفر	یک			
	66%	34%			
دوگانگی وظیفه مدیرعامل					

نتایج آزمون فرضیه ها

مدل رگرسیونی پژوهش به روش خطای استاندارد مقاوم تخمین زده شده است. این رویکرد مشکل ناهمگونی و خود همبستگی را حل می کند [43]. علاوه بر این، ضریب تورم واریانس^۱ برای تشخیص چند خطی بین متغیرهای مستقل استفاده شد. در تمام مدل های تخمین زده شده، این ضریب کمتر از عدد ۱۰ است که نشان می دهد، چند خطی بودن معنی دار نیست. معنی دار بودن آماره آزمون فیشر، در فاصله اطمینان ۹۹% اهمیت کلی مدل را نشان می دهد. در جدول ۳ نتایج تخمین مدل ارائه گردید. نتایج نشان می دهد که مدل بیش از ۵۵% از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می کند.

¹ Variance Inflation Factor (VIF)

ضریب و آماره t درآمد دولت به ترتیب برابر $۰/۰۱۷$ و $۲/۵۳۸$ است که نشان می‌دهد، درآمد دولت تاثیر مثبت و معنی‌داری بر قیمت‌گذاری انتقالات دارد و فرضیه ۱ پذیرفته می‌شود که می‌توان ابراز داشت بار مالیاتی قابل توجه باعث می‌شود تا شرکت‌ها به قیمت‌گذاری انتقالی روی آورند [14]. ضریب و آماره t سازوکار پاداش شرکت به ترتیب برابر $۰/۰۵۹$ و $۲/۴۲۲$ است که نشان می‌دهد، سازوکار پاداش تاثیر مثبت و معنی‌داری بر قیمت‌گذاری انتقالات دارد و فرضیه ۲ پذیرفته می‌شود؛ لذا این گونه می‌توان استنباط کرد که مدیریت به دنبال افزایش فوق‌العاده زیاد سود شرکت بوده و متعهد به حفظ ارزش بلندمدت شرکت نمی‌باشد. ضریب و آماره t برای تعامل حداقل‌سازی مالیات با درآمد دولت به ترتیب برابر $۰/۳۳۱$ و $۵/۰۲۲$ است که نشان‌دهنده پذیرش فرضیه ۳ است. درآمد بالای دولت افزایش قیمت‌گذاری انتقالی توسط شرکت‌ها را به همراه دارد تا بتوانند از طریق به حداقل رساندن مالیات‌ها بار مالیاتی خود را کاهش دهند [47]. ضریب و آماره t برای تعامل حداقل‌سازی مالیات با سازوکار پاداش به ترتیب برابر $۰/۰۵۰$ و $۱/۲۶۰$ است که نشان‌دهنده عدم پذیرش فرضیه ۴ است. این نتیجه ممکن است به این دلیل باشد که شرکت‌های مورد مطالعه از طریق طرح‌های دیگری همچون تاخیر در پرداخت بدهی‌های مالیاتی، بهینه‌سازی اعتبارات مالیاتی، بازگرداندن سرمایه به شرکت^۱، مزایای معاهدات/تسهیلات مالیاتی و ...، بار مالیاتی خود را به حداقل می‌رسانند.

در خصوص متغیرهای کنترلی پژوهش، با توجه به ضریب و آماره t ، متغیر اندازه شرکت و پاداش هیات‌مدیره به ترتیب تاثیر منفی، مثبت و معنی‌داری بر قیمت‌گذاری انتقالی داشته و متغیر دوگانگی وظیفه هیات‌مدیره تاثیر معنی‌داری بر قیمت‌گذاری انتقالی ندارد.

جدول ۳- نتایج برآورد مدل آزمون فرضیه‌ها.

Table 3- Results of the hypothesis testing model estimation.

متغیرها	نماد	ضریب	آماره T	نوع رابطه	VIF
ضریب ثابت	C	0.274	6.125	معنی‌دار و مثبت	-
درآمد دولت	GE	0.017	2.538	معنی‌دار و مثبت	1.456
سازوکار پاداش	BM	0.059	2.422	معنی‌دار و مثبت	1.129
حداقل‌سازی مالیات	TM	0.019	4.565	معنی‌دار و مثبت	1.323
متغیر تعاملی درآمد دولت و حداقل‌سازی مالیات	GE*TE	0.331	5.022	معنی‌دار و مثبت	1.176
متغیر تعاملی سازوکار پاداش و حداقل‌سازی مالیات	BM*TE	0.050	1.260	بی‌معنی	1.197
اندازه شرکت	FSize	-0.061	-5.216	معنی‌دار و منفی	1.157
پاداش هیات‌مدیره	BBonus	0.128	5.994	معنی‌دار و مثبت	1.346
دوگانگی وظیفه مدیرعامل	Duality	0.017	1.328	بی‌معنی	1.433
ضریب تعیین		0.551	16.693	احتمال آماره F	اثرات سال و صنعت
			0.000	کنترل شد	

۵- بحث و نتیجه‌گیری

مالیات، اساساً ابزاری برای توزیع مجدد درآمد است. در ایران، اخذ مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم از اقشار کم‌برخوردار، شاید هزینه‌ای اضافی علاوه بر بسیاری از هزینه‌های اسفبار ناشی از مدیریت بد اقتصادی بر آنان باشد، لذا تامین درآمد مالیاتی دولت از اشخاص حقوقی باید حایز اهمیت بیشتر باشد. در نتیجه تحلیل برنامه‌ریزی مالیاتی شرکت‌ها باید ابعادی فراتر از شکاف بین قانونی و غیرقانونی به خود بگیرد. حتی با وجود قانونی بودن یک رویه برنامه‌ریزی مالیاتی، اصولاً رویه‌ای غیراخلاقی باقی می‌ماند و دولت را از دستورالعمل ضروری برای تضمین عدالت اقتصادی و اجتماعی برای شهروندان و مشاغل کوچکی که به این نوع روش‌ها متوسل نمی‌شوند محروم می‌کند. یکی از ابزارهای عالی برای برنامه‌ریزی مالیاتی شرکت‌ها، قیمت‌گذاری انتقالی است؛ لذا با توجه به مهم بودن موضوع و مباحث مطرح شده در قسمت مبانی نظری، در این پژوهش به این موضوع

¹ Capital Repatriation

پرداخته شده که آیا نگرانی‌های نهادهای نظارتی و سایر ذینفعان درباره درآمد دولت و سازوکار پاداش می‌تواند بر قیمت‌گذاری انتقالی تاثیر داشته باشد؟ و حداقل‌سازی مالیات نیز می‌تواند در این خصوص نقش تعدیلی را بازی کند؟

طبق نتیجه فرضیه ۱، درآمد دولت می‌تواند سبب افزایش قیمت‌گذاری انتقالات و معاملات با اشخاص وابسته گردد. می‌توان استدلال کرد که فشار مالیاتی قابل‌توجه دولت باعث می‌شود تا شرکت‌ها به قیمت‌گذاری انتقالی روی آورند. این یافته با نتایج یونیاپی و همکاران [14]، نویاستیکا و همکاران [22] و ساراسواتی و سوجانا [19] همخوانی دارد. طبق نتیجه فرضیه ۲، سازوکار پاداش می‌تواند سبب افزایش قیمت‌گذاری انتقالات گردد. این نتیجه از فرضیه طرح پاداش در نظریه حسابداری اثباتی حمایت می‌کند. این فرضیه بیان می‌کند که مدیران معمولاً رویه‌های حسابداری را انتخاب می‌کنند که سود گزارش شده را از دوره‌های آتی به دوره جاری انتقال می‌دهند. اگر پاداش آن‌ها به درآمد خالص بستگی داشته باشد، ممکن است سعی کنند که با گزارش بالاترین درآمد خالص ممکن، پاداش خود را در آن دوره افزایش دهند. این یافته، مشابه با نتیجه تحقیق لستاری و جاسمن [44] می‌باشد که نشان دادند، اگر پاداش‌ها بر اساس سود سالانه تعیین شود، مدیریت از معاملات قیمت‌گذاری انتقالی بیشتری برای به حداکثر رساندن پاداش‌های دریافتی خود استفاده خواهد کرد و در تضاد با نتایج تحقیقات قبلی انجام شده توسط ساراسواتی و سوجانا [19] و سپتیانی و همکاران [31] است. نتیجه فرضیه ۳ نشان داد که حداقل‌سازی مالیات تاثیر درآمد دولت بر قیمت‌گذاری انتقالی را به‌طور معنی‌دار تعدیل و تقویت می‌کند. در واقع شرکت‌ها، در پاسخ به درآمد دولت از طریق مالیات تمایل دارند با قیمت‌گذاری انتقالی و حداقل رساندن مالیات‌ها بار مالیاتی خود را کاهش دهند. این یافته مشابه با نتیجه پژوهش مرفوع و عزیزه [47] است. نتیجه فرضیه ۴ نشان داد، حداقل‌سازی مالیات تاثیر سازوکار پاداش بر قیمت‌گذاری انتقالی را به‌طور معنی‌دار تعدیل نمی‌کند. این نتیجه مشابه نتیجه پژوهش نویاستیکا و همکاران [22] است. این یافته ممکن است به این دلیل باشد که شرکت‌های نمونه از قبل سازوکار نظارتی مناسبی برای حفظ حقوق ذینفعان داشته باشند. نظارت خوب باعث می‌شود تا شرکت‌ها از روش‌ها و افشاهای حسابداری نامناسب خود بکاهند که ارتکاب تقلب توسط مدیریت را کاهش می‌دهد.

مطالعه حاضر به چندین روش به ادبیات قیمت‌گذاری انتقالی کمک می‌کند. اول، نه تنها نشان داده می‌شود که قیمت‌گذاری انتقالی متاثر از درآمد دولت و سازوکار پاداش است، بلکه شواهدی نیز ارائه شده که تاثیر درآمد دولت زمانی افزایش می‌یابد که مدیران حداقل‌سازی مالیات را هم‌زمان با بار مالیاتی در برنامه‌های خود قرار می‌دهند. طبق بررسی‌های انجام شده، تاکنون این روابط در مطالعات قبلی در ایران مورد توجه قرار نگرفته است. دوم، با بررسی تاثیر پذیری قیمت‌گذاری انتقالی از درآمد دولت و سازوکار پاداش در بستر حداقل‌سازی مالیات، به ادبیات تعاملی بین مشوق‌های اقتصادی و مالی برای قیمت‌گذاری انتقالی و ویژگی‌های سطح شرکت کمک شده است. این کمک‌ها به‌طور باورنکردنی ارزشمند هستند، زیرا اگر قیمت‌گذاری انتقالی از جنبه‌های مختلف بررسی نگردد، بر پایداری شرکت‌ها و اقتصاد کشور در بلندمدت تاثیر خواهد گذاشت. سوم، به ادبیات موجود در مورد رابطه بین قیمت‌گذاری انتقالی و عملکرد آینده کمک نموده است. همچنین به‌طور غیرمستقیم نشان داده که شرکت‌هایی که به دنبال قیمت‌گذاری انتقالی هستند، احتمال بیشتری دارد که مدیران نزدیک‌بین داشته باشند. بنابراین، نتایج این پژوهش راه جدیدی را روشن نموده که در آن قیمت‌گذاری انتقالی به ذینفعان، ارزش بلندمدت ارائه نمی‌دهد.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود، سازمان امور مالیاتی ایران معیارهای تعیین درآمد مشمول مالیات برای مالیات‌دهندگان دارای روابط خاص با سایر شرکت‌ها را بازبینی و با استفاده از داده‌های دقیق معاملات بین شرکت‌های وابسته را به‌روز کند و سامانه‌های نظارتی و گزارش‌دهی مرتبط با این معاملات را تقویت نماید تا امکان رصد دقیق‌تر قیمت‌گذاری انتقالی فراهم شود. همچنین آرایه آموزش و راهنمایی‌های عملی به حسابداران و مدیران مالی می‌تواند به اجرای صحیح سیاست‌های مالیاتی و استانداردهای قیمت‌گذاری انتقالی کمک کند. این پژوهش محدودیت‌هایی دارد که باید در تفسیر نتایج در نظر گرفته شوند. تنها از معاملات دارایی‌ها و بدهی‌ها با اشخاص وابسته به‌عنوان معیار قیمت‌گذاری انتقالی استفاده شده است. بنابراین، نتایج ممکن است تمام ابعاد تصمیمات قیمت‌گذاری انتقالی را پوشش ندهند. همچنین عوامل بیرونی مانند تغییرات نرخ مالیات یا سیاست‌های اقتصادی کلان در تحلیل فعلی لحاظ نشده‌اند. پژوهش‌های آینده می‌توانند از معیارهای متنوع‌تر مانند معاملات فروش و هزینه‌ها با اشخاص وابسته استفاده کرده و با گسترش دید تحلیلی، نتایج جامع‌تری ارائه دهند.

منابع

- [1] Suandy, E. (2016). *Tax planning*. South Jakarta: Salemba Empat Publisher.
- [2] Arabmazar, A., Bagheri, B., & Jafari Parvar, M. (2014). An investigation into transfer pricing (TP) in Iranian tax system. *Journal of tax research*, 22(21), 9–38. (In Persian). <http://taxjournal.ir/article-1-253-fa.html>

- [3] Hartati, W., Desmiyawati, D., & Azlina, N. (2014). Analysis of the effect of taxes and bonus mechanisms on transfer pricing decisions: an empirical study of all companies listed on the Indonesian stock exchange. *Journal of the national symposium on accounting*, 17(18), 1–18.
- [4] Hasani A, M., & Sheri, A, S. (2017). Examination of the effects of the managerial ability on tax avoidance. *Journal of accounting knowledge*, 8(1), 107-134. (In Persian). <https://doi.org/10.22103/jak.2017.1649>
- [5] Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of financial economics*, 3(4), 305–360. [https://doi.org/10.1016/0304-405X\(76\)90026-X](https://doi.org/10.1016/0304-405X(76)90026-X)
- [6] Williamson, O. E. (2007). The economic institutions of capitalism. firms, markets, relational contracting. In *Das summa summarum des management: die 25 wichtigsten werke für strategie, führung und veränderung* (pp. 61–75). Wiesbaden: Gabler. https://doi.org/10.1007/978-3-8349-9320-5_6
- [7] Casey, R., & Beck, K. (2018). Tax minimization and corporate behavior. *Journal of economic behavior & organization*, 150, 215–232.
- [8] Ernst & Young. (2010). 2010 global transfer pricing survey. https://www.slideshare.net/slideshow/2010-global-transfer-pricing-survey/6776501?utm_source=chatgpt.com
- [9] Mispiyanti, M. (2015). Effect of taxes, tunneling incentives and bonus mechanisms on transfer pricing decisions. *Journal of accounting and investment*, 16(1), 62–73. https://journal.umy.ac.id/index.php/ai/article/download/1348/1392/0?utm_source=chatgpt.com&__cf_chl_tk=Z4bPjA.VEL5x9KV2nZ2BmCpisW22IB5u_f96iAYOTg-1761627732-1.0.1.1-5FoVXb8Wu22GbPizQErPEgaito25BbA9FSf5REAE95g
- [10] Susanti, A., & Firmansyah, A. (2018). Determinants of transfer pricing decisions in Indonesia manufacturing companies. *Jurnal akuntansi dan auditing indonesia*, 22(2), 81–93. <https://doi.org/10.20885/jaai.vol22.iss2.art1>
- [11] Belori, A., Moradi, M., & Hamidreza, Y. (2021). Designing a structural interpretation analysis model of factors affecting tax evasion on legal entities' income. *Tax research journal*, 29(49), 83–108. <http://dx.doi.org/10.52547/taxjournal.29.49.83>
- [12] Karimi, S., Mohammadi, A., Mottaqi, A. A., & Arabsalehi, M. (2022). Presenting a model for determining the tax transparency score of companies using the AHP method. *Journal of tax research*, 30(55), 79–106. <http://dx.doi.org/10.52547/taxjournal.30.55.3>
- [13] Abdoli, G., Abrishami, H., & Hoseinifard, S. M. (2016). Favorable tax audit in order to reduce tax evasion in income tax: a theoretical and empirical analysis. *Journal of tax research*, 28(76), 41-67. <http://taxjournal.ir/article-1-763-fa.html>
- [14] Yuniasih, N. W., Rasmini, N. K., & Wirakusuma, M. G. (2012). The influence of taxes and tunneling incentives on transfer pricing decisions of manufacturing companies listed on the Indonesia Stock Exchange. *National symposium on accounting 15 banjarmasin*, 1–23.
- [15] Pourheidari, O., Fadavi, M. H., & Amininia, M. (2014). Investigating the effect of tax avoidance on the transparency of financial reporting of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Economic research journal*, 14(52), 69–85. <https://joer.atu.ac.ir/>
- [16] Lo, A. W. Y., Wong, R. M. K., & Firth, M. (2010). Tax, financial reporting, and tunneling incentives for income shifting: an empirical analysis of the transfer pricing behavior of Chinese-listed companies. *Journal of the american taxation association*, 32(2), 1–26. <https://doi.org/10.2308/jata.2010.32.2.1>
- [17] Indriaswari, Y. N., Nita, R. A. (2017). The influence of tax, tunneling incentive, and bonus mechanisms on transfer pricing decision in manufacturing companies. *The Indonesian accounting review*, 7(1), 69–78. <https://doi.org/10.14414/tiar.v7i1.957>
- [18] Rosa, R., Andini, R., & Raharjo, K. (2017). Effects of taxes, tunneling incentives, bonus mechanisms, debt covenant and good corporate governance (Gcg) on transfer pricing transactions (study of manufacturing companies listed on the Indonesia Stock Exchange 2013 – 2015) Ria. *Journal of accounting*, 3(3), 24–35.
- [19] Sujana, I. K., Suardikha, I. M. S., & Saraswati, G. (2022). Tax, bonus mechanism, tunneling incentive, debt covenant and transfer pricing in multinational companies. *Matrik: jurnal manajemen, strategi bisnis dan kewirausahaan*, 16(1), 63–76. <https://doi.org/10.24843/MATRIK:JMBK.2022.v16.i01.p05>
- [20] Nuradila, R. F., & Wibowo, R. A. (2018). Tax minimization sebagai pemoderasi hubungan antara tunneling incentive, bonus mechanism dan debt covenant dengan keputusan transfer pricing. *JIFA (journal of islamic finance and accounting)*, 1(1), 64–76. <http://ejournal.iainsurakarta.ac.id/index.php/jifa>
- [21] Masri, I., & Martani, D. (2012). The effect of tax avoidance on the cost of debt. *Journal of the national symposium on accounting*, 1(1), 1–27.
- [22] Noviasitika, D., Mayowan, Y., & Karjo, S. (2016). The influence of taxes, tunneling incentive, and good corporate governance (GCG) on indications of transfer pricing to manufacturing companies listed on the Indonesia Stock Exchange. *Journal of taxation*, 8(1), 1–9.
- [23] Kiswanto, N., & Purwaningsih, A. (2014). The effect of tax, foreign ownership, and company size on transfer pricing in manufacturing companies in Bei in 2010-2013. *Journal of accounting economics*, 1–15.
- [24] Seyyedi, H. (2006). Theoretical foundations of transfer pricing. *Chartered accountant*, 3(8–9), 91–96. (In Persian). <https://www.magiran.com/volume/33862>
- [25] Suryarini, T., Hajawiyah, A., Hidayah, R., Gurendrawati, E., & Nany, M. (2021). The impact of state revenue and bonus mechanism on transfer pricing decisions with tax minimization as a moderating variable. *Academy of accounting and financial studies journal*, 25(5), 1–9. <https://d1wqtxts1xzle7.cloudfront.net/105788650/The-impact->

- state-revenue-and-bonus-mechanism-transfer-pricing-decisions-with-tax-minimization-as-moderating-variable-1528-2635-25-5-780-libre.pdf?1695020781=&response-content-disposition=inline%253B+filename%253
- [26] Pakmaram, A., Madadzadeh, E., & Behnamoon, Y. (2015). The effect of tax planning on firms market performance. *Journal of tax research*, 22(24), 202–219.
 - [27] Maatoufi, A., & Najari, M. (2019). The effect of CEO tenure and tax planning of listed companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of tax research*, 40(88), 126–156. (In Persian). <http://taxjournal.ir/article-1-1594-fa.html>
 - [28] Mohammadi, M. (2014). The moderating effect of board characteristics on the relationship between firm value and tax planning of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Quarterly journal of capital market analysis*, 2(1), 102–132. (In Persian). https://journals.iau.ir/article_692235.html?lang=en
 - [29] Anissa, R. R., & Handayani, B. D. (2015). Analysis of factors that motivate company management to perform tax planning. *Accounting analysis journal*, 4(1), 1–11.
 - [30] Firmansyah, A., & Febriyanto, A. S. (2018). The effects of tax avoidance, accrual earnings management, real earnings management, and capital intensity on the cost of equity. *Jurnal dinamika akuntansi*, 10(1), 40–50. <http://dx.doi.org/10.15294/jda.v10i1.12976>
 - [31] Septiyani, R. P. P., Ramadhanti, W., & Sudibyo, Y. A. (2018). Some factors that affect transfer pricing decision. *Soedirman accounting review*, 3(1), 21–38. <https://doi.org/10.20884/1.sar.2018.3.1.1158>
 - [32] Shafiee, S., & Kamali, S. (2012). Tax exceptions and its relationship with transfer pricing in the Iranian Taxation System. *Journal of tax research*, 20(14), 105–134. (In Persian). <http://taxjournal.ir/article-1-58-fa.html>
 - [33] Watts, R. L., & Zimmerman, J. L. (1986). *Positive accounting theory*. Prentice-Hall Inc. <https://ssrn.com/abstract=928677>
 - [34] Claessens, S., & Djankov, S. (1999). Ownership concentration and corporate performance in the Czech Republic. *Journal of comparative economics*, 27(3), 498–513. <https://doi.org/10.1006/jcec.1999.1598>
 - [35] Heydari, D., Sohaili, K., & Fallahati, A. (2022). The impact of uncertainty on tax burden of companies listed in the Tehran Stock Exchange: the quantile regression approach. *Journal of tax research*, 30(54), 144–170. <http://dx.doi.org/10.52547/taxjournal.30.54.144>
 - [36] Aharony, J., Wang, J., & Yuan, H. (2010). Tunneling as an incentive for earnings management during the IPO process in China. *Journal of accounting and public policy*, 29(1), 1–26. <https://doi.org/10.1016/j.jaccpubpol.2009.10.003>
 - [37] Khani, A., Imani, K., & Yousefi, A. (2014). Tax avoidance, its measurement and factors affecting it. *Accounting and social benefits*, 4(4), 121–142. <https://doi.org/10.22051/ijar.2015.2013>
 - [38] Pramana, A. H., & Laksito, H. (2014). *The influence of taxes, bonus mechanisms, tunneling incentives and debt covenant on company decisions to perform transfer pricing [Thesis]*. <https://eprints.undip.ac.id/45246/>
 - [39] Hashemi, M., Etemadi, H., & Rezazadeh, J. (2022). Modeling Tax Evasion in Value Added Tax, A Game Theory Approach. *Journal of tax research*, 30(55), 7–51. (In Persian). <http://dx.doi.org/10.52547/taxjournal.30.55.2>
 - [40] Mangoting, Y. (2000). Taxation aspects in transfer pricing practices. *Journal of accounting & finance*, 2(1), 69–82.
 - [41] Tang, T. Y. H. (2016). Privatization, tunneling, and tax avoidance in Chinese SOEs. *Asian review of accounting*, 24(3), 274–294. <https://doi.org/10.1108/ARA-08-2014-0091>
 - [42] Djumena, E. (2009). *Suspected of embezzling taxes, PT Adaro is reported to the po-lice*. <https://nasional.kompas.com/read/2008/07/09/21333188/diduga.gelapkan.pajak.pt.adaro.dilaporkan.ke.polisi>
 - [43] Cahyadi, A. S., & Noviari, N. (2018). The influence of tax, exchange rate, profitability, and leverage on transfer pricing decisions. *E-journal of accounting*, 24(2), 1441–1473.
 - [44] Utama, C. A. (2015). Determinants of the amount of related party transactions: governance, level of disclosure, and ownership structure. *Indonesian journal of accounting and finance*, 12(1), 37–54.
 - [45] Santosa, S. J. D., & Suzan, L. (2018). Effect of taxes, tunneling incentives, and bonus mechanisms on transfer pricing. *Journal of accounting studies*, 19(2), 76–83.
 - [46] Petersen, M. A. (2008). Estimating standard errors in finance panel data sets: comparing approaches. *The review of financial studies*, 22(1), 435–480. <https://doi.org/10.1093/rfs/hhn053>
 - [47] Marfuah, M., & Azizah, A. P. N. (2014). The Influence of Taxes, Tunneling Incentives and Exchange Rates on Company Transfer Pricing Decisions. *Indonesian journal of accounting & auditing*, 18(2), 156–165.
 - [48] Lestari, T., & Jusman, J. (2025). Tax burden and bonus mechanisms on transfer pricing with tunneling incentive as a moderating variable. *Journal of social science*, 6(3), 378–393. <https://jsss.co.id/index.php/jsss/article/download/1041/1254>